

Z

اصول اعتقادات مسیحی
(C-7)

کلیسا

تعریف، اهمیت و کارکرد آن

فهرست مطالب

۳ کلیسا و مسیحیت
۴ علت اهمیت کلیسا: جامعه الهی
۷ کلیسا: بدن مسیح
۹ کلیسا: ملکوت خدا بر روی زمین
۱۱ وظیفه کلیسا به عنوان ملکوت خدا بر روی زمین
۱۳ اهمیت کلیسای محلی
۱۸ وظیفه ایمانداران در قبال کلیسای محلی

نویسنده مجموعه مقالات: آرمان رشدی

کلیسا و مسیحیت

وقتی درباره مسیحیت و جهان مسیحیت سخن به میان می‌آید، قطعاً نام کلیسا نیز برده می‌شود. کلیسا یکی از ارکان مهم مسیحیت می‌باشد؛ در واقع کلیسا و مسیحیت به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر به یکدیگر مرتبند.

معمولاً هرگاه نام کلیسا به میان می‌آید، محلی در ذهنها مجسم می‌شود که مسیحیان در آن به عبادت می‌پردازند، و یا عمارتهایی زیبا و پر شکوه و قدیمی، با سبکهای خاص معماری در ذهنها نقش می‌بندد. اما واقعاً کلیسا چیست و به چه معنی است؟ طبق روشی که در سایر مقالات به کار برده‌ایم، برای یافتن مفاهیم درستِ تعالیم مسیحیت، مرجع نهایی ما همانا کتابمقدس است. برای دستیابی به مفهوم واقعی کلیسا نیز به کتابمقدس رجوع می‌کنیم.

تعریف کلیسا

نخست باید دانست که کلمه کلیسا یا کلیسیا در زبان فارسی، در اصل واژه‌ای است یونانی و تلفظ آن «اِکلیسیا» می‌باشد. این کلمه در متن اصلی عهدجدید که به زبان یونانی نوشته شده، بیش از یکصد بار به کار رفته است. جالب اینجاست که در هیچ یک از موارد، این کلمه در معنی ساختمان یا محل پرستش استفاده نشده، بلکه به یک جماعت اشاره می‌کند که به منظوری خاص گرد آمده‌اند، «جماعتی که برای مقصود خاصی فرا خوانده شده‌اند». به این ترتیب، هر جا که در عهدجدید واژه کلیسا به کار رفته، مقصود نه

محل عبادت، بلکه افرادی است که برای هدف خاصی جمع شده‌اند. کلیسا یعنی جمع کسانی که زندگی خود را به مسیح سپرده‌اند و او را پیروی می‌کنند.

تفاوت کلیسا با سایر مجامع

اما باید توجه داشت که کلیسا با سایر مجامع انسانی که با هدفی خاص گرد آمده‌اند، تفاوت دارد. ممکن است گروهی برای شنیدن سخنرانی یا تماشای یک فیلم (که یک هدف خاص و مشترک است) در تالاری گرد آیند و در کنار هم بنشینند، اما هیچگونه ارتباط و پیوندی میان آنان وجود نداشته باشد. کلیسای مسیح نه فقط شامل گروهی است که به منظور پرستش خدا و پیروی مسیح گرد آمده‌اند، بلکه رابطه و پیوندی زنده در میان افراد آن وجود دارد. کلیسا فقط جمع یا مجمع افراد نیست، بلکه مجمع ایماندارانی است که با یکدیگر نیز رابطه دارند و هدف و مقصود و حیات آنها به یکدیگر مرتبط است. این است مفهوم و اهمیت کلیسا از نقطه نظر کتاب مقدس.

علت اهمیت کلیسا: جامعه الهی

کلیسا: تحقق هدف خدا از آفرینش انسان

هنگامی که خداوند آدم و حوا را آفرید، نخستین حکمی که به ایشان داد، این بود که بارور و کثیر شوند و تمامی جهان را پر سازند. هدف خدا فقط این نبود که موجوداتی بیافریند که از لحاظ معنوی و اخلاقی شبیه او باشند. خداوند می‌خواست «جامعه‌ای» از انسانها به وجود آید. انسان موجودی است اجتماعی. به عبارت دیگر، انسان فقط در جامعه است که انسان می‌باشد. انسان فقط در جامعه است که از خصوصیات یک انسان عادی برخوردار می‌گردد و تمام جلوه‌های انسانیت را از خود بروز می‌دهد. اگر یک کودک به دور از انسانها، مثلاً در میان حیوانات پرورش یابد، تقریباً هیچیک از خصوصیات انسان بودن را از خود بروز نخواهد داد؛ او یقیناً قادر به سخن گفتن

نخواهد بود؛ تعقل و استدلال او اگر در حد صفر نباشد، بسیار پایین تر از حد متعارف خواهد بود؛ خصایل و سجایای انسانی در او پرورش نخواهد یافت و بسیاری فقدانهای دیگر. اگر اکثر حیوانات در انزوا و در میان انسانها نیز بطور غریزی خصوصیات نوع خود را بروز می‌دهند، انسان نمی‌تواند چنین باشد. خدا در نظر داشت که انسانها در جامعه انسانی رشد و اعتلا پیدا کنند. جامعه در مجموع، جلوه‌گاه تمامی خصوصیات و استعدادها و کمالات انسانی است. فرد به تنهایی نمی‌تواند کامل باشد، اما جامعه از این کمال برخوردار است. به‌عنوان مثال، یک فرد ممکن است فقط از یک ذوق هنری برخوردار باشد، اما در جامعه که متشکل از افراد مختلف است، همه انواع هنرها به چشم می‌خورد.

اما متأسفانه جامعه‌ای که از نسل آدم و حوا به وجود آمد، بسیار سریع به انحطاط کشیده شد و مقصود خدا را عملی نساخت. بنابراین، خدا آن را نابود ساخت و بر آن شد که جامعه مورد نظر خود را از نسل نوح به وجود آورد. نسل نوح نیز بسوی بت پرستی رفت. لذا خدا تصمیم گرفت که از شخصی به نام ابراهیم، قومی به وجود آورد که امانتدار یکتا پرستی و احکام او، و معرف و شاهد بر فیض و رحمت او در میان سایر اقوام باشند. خدا این قوم را به دست موسی سازمان بخشید و احکام خود را توسط او به ایشان اعطا کرد. به این ترتیب قوم اسرائیل تبدیل به جامعه‌ای شد که می‌بایست خصوصیات روحانی و معنوی انسانها در آن نشو و نما یابد و جایگاهی باشد برای انتشار نور الهی در میان سایر اقوام. در ضمن از این قوم بود که می‌بایست نجات‌دهنده بشریت ظهور کند. اما قوم اسرائیل مطابق عهد خداوند و انتظار او زندگی نکردند و دائماً خشم خدا را برانگیختند. از اینرو خدا ایشان را ترک نمود و ایشان را به دست دشمنانشان تسلیم کرد.

تا آنکه عیسی مسیح به این جهان آمد. او آمد تا گمشده را بجوید و نجات بخشد. اما رسالت او به همینجا ختم نمی‌شد. او نیامد تا فقط انسانها را بطور فردی نجات دهد. او آمد تا از تک تک افرادی که نجات می‌یابند، ملتی به وجود آورد، ملتی متشکل از همه نژادها و اقوام بشری. در این ملت یا در این جامعه است که تمام خصوصیات معنوی و

روحانی انسان متجلی می‌شود و فرصتِ ظهور پیدا می‌کند. در این قوم یا جامعه است که انسان می‌تواند ایمان خود را تقویت کند و تمام استعدادهای خدادادیِ روحانی خود را بروز دهد. همانطور که یک فرد در درون جامعه انسانی، «انسان» می‌شود، مسیحی نیز در یک جامعه مسیحی، «مسیحی» می‌شود. بلی، هدف غایی و نهایی خدا از آفرینش و از رسالت عیسی مسیح، پدید آوردن قوم و جامعه‌ای است که تمام مؤمنین را در برگیرد. این جامعه همان «کلیسا» است.

اهمیت کلیسا برای ایمانداران

با تمام این توضیحات، می‌توان به این نتیجه کلی رسید که کلیسا برای یک مسیحی همانقدر مهم و حیاتی است که جامعه انسانی برای هر فرد. اگر یک مسیحی می‌خواهد بطرز صحیح و مناسب در ایمان رشد کند و وظیفه خود را انجام دهد، باید جای خود را در این جامعه روحانی یعنی کلیسا بیابد. البته از یک نظر، تمام کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند، خودبه‌خود عضو جامعه جهانی ایمانداران یعنی کلیسای جهانی می‌گردند. در نظر خدا، همه ایمانداران واقعی، عضو این کلیسای جهانی می‌باشند. منظور از کلیسای جهانی، تشکیلات یا فرقه خاصی نیست. منظور این است که تمام ایمانداران واقعی، نامشان در دفتر حیات خدا که در آسمان است ثبت می‌شود و عضو ملکوت خدا می‌گردند. این همان کلیسای جهانی است. اما در کنار این، هر ایماندار واقعی باید به یک کلیسای محلی نیز وابسته باشد. کلیسای محلی همان مجمع ایماندارانی است که از نظر جغرافیایی در یک محل و نزدیک به هم زندگی می‌کنند. در این معنا، ممکن است در یک شهر چندین کلیسا وجود داشته باشد، یعنی در هر محله یک کلیسا. وابستگی و عضویت ایمانداران به یک کلیسای محلی، بسیار حیاتی و ضروری است، زیرا در این جامعه است که او می‌تواند تغذیه شود و رشد بیابد. در این مورد، در بخشهای بعدی بیشتر توضیح خواهیم داد.

کلیسا: بدن مسیح

ویژگی مهم بدن انسان

برای درک عمیق‌تر اهمیت کلیسا، می‌توانیم به یکی از تشبیهاتی که کلام خدا برای کلیسا به کار برده است، اشاره کنیم. کتابمقدس بارها کلیسا را به بدن تشبیه کرده است و آن را «بدن مسیح» خوانده است. بدن ارگانیزمی است زنده و متشکل از اعضای مختلف. زنده بودن اعضا در بدن مهم‌ترین خصوصیت بدن است. اعضای بدن دائماً در حال تغذیه می‌باشند. گردش خون، مواد حیاتی لازم را برای ادامه بقا به همه اعضا مطابق نیازشان می‌رساند. اگر عضوی از بدن قطع شود، حیات خود را از دست می‌دهد.

عامل حیات در بدن مسیح

در کلیسا یعنی بدن مسیح نیز همینطور است. هر یک از ما عضو کلیسا یعنی بدن مسیح هستیم. در کلیساست که غذای روحانی لازم و مناسب را می‌یابیم. در کلیساست که می‌توانیم به‌عنوان یک مسیحی رشد و تقویت پیدا کنیم. کلیسا با دادن تعلیم صحیح کتابمقدس و موعظه‌های سودمند و محیطی روحانی برای دعا و عبادت دستجمعی، غذای روحانی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

ارتباط متقابل اعضای بدن مسیح

به‌علاوه در یک بدن، اندامهای مختلف با یکدیگر ارتباطی زنده دارند و حیات اندامها به یکدیگر وابسته است. اگر اندامی بیمار و رنجور گردد، سایر اندامها نیز رنجور می‌شوند؛ و اگر اندامی فاسد شود، سایر اندامها را نیز فاسد می‌سازد. در کلیسا نیز افراد بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اگر ایمان‌داری با خداوند رابطه‌ای نزدیک و قوی داشته باشد، ایمان قوی او باعث تشویق دیگران به پیروی بهتر خداوند می‌گردد. و اگر ایمان‌داری دچار ضعف و سستی شود، دیگران را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. در کلیساست که ما تشویق و ترغیب لازم برای پیروی از خداوند را دریافت می‌کنیم.

هر عضوی در بدن مسیح وظیفه‌ای دارد

در ضمن، همانطور که در یک بدن، هر عضوی وظیفه‌ای بر عهده دارد، در کلیسا نیز هر ایمانداری دارای وظیفه‌ای است. هر یک از ما در بدن مسیح عهده‌دار وظیفه و مسؤولیتی هستیم. در بدن انسان، هر عضوی در جای خود مفید و ضروری است و هیچ عضوی باطل و بیهوده نیست. در بدن مسیح نیز همه اعضا مهمند. هیچ ایمانداری نمی‌تواند خود را مهم‌تر و ضروری‌تر از اعضای دیگر ببندارد و آنان را حقیر بشمارد، زیرا در نظر خدا همه آنها در جای خود مهم و عزیزند.

بی‌مناسبت نیست در اینجا فرمایش پولس را در همین زمینه نقل قول کنیم؛ می‌فرماید: «بدن انسان واحدی است که از اعضای بسیار تشکیل شده و اگر چه دارای اعضای متفاوت می‌باشد، باز هم بدن واحد است و مسیح هم همینطور می‌باشد. پس همه ما خواه یهود، خواه یونانی، خواه برده، خواه آزاد بوسیله یک روح در یک بدن تعمید یافته‌ایم و همه از همان روح پر شده‌ایم تا از او بنوشیم. بدن از یک عضو ساخته نشده بلکه شامل اعضای بسیار است. در حقیقت خدا جای مناسبی را به همه اعضای بدن طبق اراده خود بخشیده است. اگر تنها یک عضو بود بدنی وجود نمی‌داشت! اما در واقع اعضا بسیار است ولی بدن یکی است و چشم نمی‌تواند به دست بگوید: "محتاج تو نیستم" یا سر نمی‌تواند به پا بگوید: "به تو نیازی ندارم". برعکس، اعضایی که به ظاهر ضعیفند وجودشان بیش از همه ضروری است و اعضایی را که پست می‌شماریم با دقت بیشتری می‌پوشانیم و آن قسمت از اعضای بدن خود را که زیبا نیستند با توجه خاصی می‌آراییم، حال آنکه اعضای زیبای ما به چنین آرایشی احتیاج ندارند. آری، خدا اعضای بدن را طوری به هم مربوط ساخته که به اعضای پست‌تر بدن اهمیت بیشتری داده می‌شود تا به این ترتیب در بین اعضای بدن ناهماهنگی به وجود نیاید، بلکه تمام اعضا نسبت به یکدیگر توجه متقابل داشته باشند. اگر عضوی به درد آید، اعضای دیگر در درد آن عضو شریک هستند. همچنین اگر یکی از اعضا مورد تحسین واقع شود، اعضای دیگر نیز خوشحال خواهند بود. باری، شما جمعاً بدن مسیح و فرداً فرد

عضوی از اعضای بدن او هستید» (اول قرن‌تین ۱۲:۱۲-۲۷، ترجمه مژده برای عصر جدید).

بلی، کلیسا یعنی بدن مسیح. همه ایمانداران واقعی باید جای خود را در این بدن بیابند تا بتوانند به حیات روحانی خود ادامه دهند و وظایف روحانی خود را در جهت پیشرفت ملکوت خدا به انجام رسانند.

کلیسا: ملکوت خدا بر روی زمین

مفهوم ملکوت

دعایی که عیسی مسیح به شاگردان آموخت و به «دعای ربانی» معروف است، چنین آغاز می‌شود: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد! ملکوت تو بیاید! اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود.» عیسی مسیح به پیروان خود آموخت تا در آغاز دعایشان، خواستار برقراری ملکوت خدا و اجرای اراده او بر روی زمین باشند. کلمه ملکوت در اصل ریشه آرامی دارد و به معنی پادشاهی و فرمانروایی است. ملکوت خدا یعنی قلمرویی که در آن، پادشاه و فرمانروا خود خداوند است. عیسی مسیح در تعالیم خود نیز تأکید فراوانی بر آمدن و برقراری ملکوت خدا می‌گذاشت. پولس رسول نیز فرمود: «خدا همه چیز را زیر پای مسیح نهاد و او را رأس کلیسا ساخته است، کلیسایی که بدن اوست و تمام وجود او را در بر می‌گیرد ... تا این که در حال حاضر خدا جنبه‌های گوناگون حکمت خود را بوسیله کلیسا به قدرت‌ها و حکمرانان عالم ملکوت بشناساند» (افسیان ۱: ۲۲ و ۲۳ و ۱۰: ۳، ترجمه مژده).

اما این ملکوت چیست و چگونه است؟

از یک جنبه، ملکوت خدا یا ملکوت مسیح اشاره به آخرت دارد که در آن نظام کنونی جهان خاتمه می‌یابد و همه انسانها در پیشگاه تخت داوری خدا خواهند ایستاد و برای اعمال خود پاداش یا مکافات خواهند یافت. در آن زمان خداوند فرمانروا و

پادشاه مطلق همه عالم خواهد بود و شیطان، این دشمن نور و راستی قادر به برهم زدن نظام الهی و وسوسه انسانها نخواهد بود، زیرا به جهنم افکنده خواهد شد. در این دوره است که ملکوت و حاکمیت خدا بطور کامل برقرار خواهد گشت.

کلیسا، ملکوت خدا بر روی زمین

اما از جنبه دیگر، ملکوت خدا از آن زمان آغاز گشت که خدای پدر از طریق پسرش عیسی مسیح، فرمانروای دلها و زندگی انسانها شد. جمع افرادی که عیسی مسیح را به عنوان خداوند یعنی سرور و پیشوا و پادشاه زندگی خود پذیرفته‌اند، ملکوت خدا را بر روی زمین تشکیل می‌دهد. از آنجا که این گونه افراد که ایمانداران مسیح هستند، کلیسا را تشکیل می‌دهند، در واقع کلیسا سرآغاز ملکوت خدا در این جهان می‌گردد. از این جنبه، ملکوت خدا از همین دوره شروع شده است. کلیسا، از آغاز تشکیل تا به حال، مقدمه ملکوت خدا بوده و خواهد بود تا روزی که عیسی مسیح باز گردد و ملکوت خدا را به معنای کامل و نهایی آن برقرار سازد.

روزی، عده‌ای از علمای مذهبی یهود از عیسی سؤال کرده، پرسیدند که ملکوت خدا کی خواهد آمد. عیسی در جواب ایشان فرمود: «پادشاهی خدا طوری نمی‌آید که بتوان آن را مشاهده کرد و کسی نخواهد گفت که آن در اینجا یا در آنجاست، چون در حقیقت پادشاهی خدا در میان خود شماست» (لوقا ۱۷: ۲۰ و ۲۱، ترجمه مزده). وقتی عیسی مسیح به مخاطبین خود گفت که ملکوت در میان ایشان است، در واقع به خود و به حواریون و به آنانی که در آن موقعیت به او ایمان داشتند، اشاره کرد. آنان در کل، کلیسا یعنی ملکوت خدا را بر روی زمین تشکیل می‌دادند.

ده روز پس از صعود عیسی مسیح به آسمان، در روز پنطیکاست که یکی از اعیاد یهودیان بود، روح القدس به گونه‌ای پرشکوه بر شاگردان او نازل شد. در آن روز، در اثر سخنان پطرس خطاب به انبوه مردم، که به نخستین موعظه مسیحی معروف است، حدود سه هزار نفر به مسیح ایمان آوردند. در روزهای بعدی نیز بسیاری به صورت گروهی به جمع ایمانداران پیوستند. به این ترتیب کلیسای مسیح به گونه‌ای رسمی و

گسترده تشکیل یافت و مفهوم ملکوت خدا را بطور کامل تری تحقق بخشید. از آن روز تا به حال، کلیسا ملکوت خدا و آن جامعه الهی بوده که خدا از ابتدای آفرینش مد نظر داشت.

عیسی مسیح، مثل‌ها یا حکایات بسیاری بیان فرمود تا ملکوت خدا را تشریح کند. در برخی از این حکایات، عیسی به دوره آخرت، یعنی زمانی که سلطنت خدا بطور کامل در عالم هستی برقرار شده، اشاره می‌کند. در برخی دیگر، به روشنی می‌توان درک کرد که مقصود عیسی از ملکوت خدا، کلیسا و حیات و فعالیت آن در این دنیا است. انجیل متی، فصل سیزدهم، شامل تعداد زیادی از این حکایت‌هاست و با مطالعه آن می‌توانید این مفهوم را بهتر درک کنید. بلی، کلیسا سرآغاز و مقدمه ملکوت خداست. کلیسا قلمرویی است که در آن خدا فرمانروایی می‌کند و ایمانداران که اتباع این ملکوت هستند، با جان و دل امر فرمانروای خود را پیروی می‌کنند.

وظیفه کلیسا به عنوان ملکوت خدا بر زمین

اما ممکن است این سؤال مطرح شود که هدف و وظیفه و کارکرد این ملکوت چیست؟ یا به عبارت ساده‌تر، کلیسا یعنی این ملکوت، در این جهان چه وظیفه و رسالتی بر عهده دارد؟ بار دیگر، به دعای ربانی توجه کنیم. پس از دعا برای برقراری ملکوت خدا، باید دعا کرد و گفت: «اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود!» به عبارت دیگر، با برقراری ملکوت و فرمانروایی خدا در این جهان، اراده او نیز اجرا خواهد شد. بنابراین، از آنجا که کلیسا سرآغاز ملکوت خدا در این جهان است، مهم‌ترین وظیفه و رسالت آن، پیاده کردن اراده خدا بر روی زمین است. اما اراده خدا چیست؟ خدا چه چیزی را برای مردم جهان اراده فرموده است؟ وظیفه کلیسا در این زمینه چیست؟

نخستین وظیفه: بشارت پیام انجیل

نخستین و مهم‌ترین چیزی که خدا برای بشر اراده فرموده است، این است که او توبه کند. این امر بارها و بارها در کتاب مقدس مورد تأکید قرار گرفته است. اراده و خواست خدا این است که انسان توبه کند و به پسر او عیسی مسیح ایمان بیاورد.

اما برای اینکه مردم به مسیح ایمان بیاورند، باید پیام او را بشنوند. برای این منظور، لازم است که کسانی باشند که این پیام را اعلان کنند. وظیفه اعلان پیام انجیل بر دوش کلیسا گذاشته شده است. هر ایماندار به‌طور فردی موظف است گمراهان را بسوی نور خدا راهنمایی کند. هدایت انسانها بسوی خدا گرچه توسط فرد فرد ایمانداران صورت می‌گیرد، اما فی‌نفسه کاری انفرادی نیست. برای آنکه یک شخص از تاریکی به‌طرف نور خدا بیاید و در خانواده خدا رشد کند و استوار شود، به خدمت افراد مختلفی نیاز است. به همین جهت فقط کلیسا که از خدمات افراد مختلف برخوردار است، قادر می‌باشد چنین وظیفه مهمی را انجام دهد.

دومین وظیفه: تعلیم ایمانداران

عیسی مسیح پس از زنده شدن از مردگان، در لحظه‌ای پر شکوه، وقتی خود را به رسولان خود ظاهر کرد، به ایشان رسالتی بزرگ محول کرد و فرمود: «تمام قدرت در آسمان و بر روی زمین به من داده شده است. پس بروید و همه امتها را شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهید و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته‌ام، انجام دهند. و بدانید که من هر روزه تا انقضای عالم با شما هستم» (انجیل متی ۲۸:۱۸-۲۰، ترجمه مؤده). این رسالتی بود که خداوند عیسی به جمع رسولان و ایمانداران خود داد. مطابق آنچه که مسیح فرمود، رسالت و وظیفه ایشان که کلیسا را تشکیل می‌دهند، شامل چند نکته می‌شود. اولاً ایشان باید به میان همه ملل بروند و مردم را از طریق دعوت به توبه، شاگرد مسیح سازند. سپس باید آنانی را که ایمان می‌آورند، به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهند. آنگاه، باید این نوایمانان را تعلیم دهند که تمام احکام مسیح را بجا بیاورند. کسی که تازه به مسیح ایمان آورده، نیاز

دارد تعالیم کلام خدا را از مرجعی مطمئن دریافت کند و این مرجع، کلیساست. اما نه فقط نوایمانان، بلکه همه ایمانداران نیاز به تعلیم و تشویق و نصیحت دارند تا در ایمان خود پایدار و استوار بمانند. در کلیساست که مؤمنین مسیحی تعلیم صحیح را دریافت می‌کنند.

بنابراین، این کلیساست که اراده خدا را بر روی زمین اجرا می‌کند. به عبارت دیگر، کلیسا بازوی اجرایی خدا بر روی زمین است. از طریق کلیساست که خدا در میان انسانها کار می‌کند. کلیسا سرآغاز ملکوت خدا و مجری نقشه‌های اوست. کلیسا منعکس کننده جنبه‌های گوناگون حکمت خدا به قدرتها و حکمرانان عالم ملکوت می‌باشد.

اهمیت کلیسای محلی

تعریف کلیسای محلی

در بخشهای پیشین این مقاله، اشاره‌ای گذرا داشتیم به مقوله «کلیسای جهانی» و «کلیسای محلی». گفتیم که در یک معنا، هر کسی که به مسیح ایمان می‌آورد، عضو کلیسای جهانی می‌گردد، یعنی کلیسایی که تمام مسیحیان واقعی از تمام دورانها و از تمام نقاط جهان جزو آن می‌باشند. کلیسای جهانی هویتی است روحانی و معنوی. اما هر مسیحی در ضمن اینکه عضو کلیسای معنوی جهانی است، باید عملاً جزئی از یک کلیسای محلی نیز باشد.

منظور از کلیسای محلی، گروهی از ایمانداران است که در یک ساختمان برای عبادت جمع می‌شوند. در هر شهر ممکن است یک یا چند کلیسا وجود داشته باشد. این کلیساها ممکن است از نظر سبک معماری و شکل ساختمان، یا حتی بعضی از جزئیات اصول اعتقادی، با یکدیگر متفاوت باشند. اما تمام آنها کلیساهای محلی هستند. در آنجاست که ایمانداران می‌توانند گرد آیند و خداوند را پرستش کنند و احکام انجیل را

تحقق بخشند. در چنین محیطی است که مفهوم کلیسا به عنوان بدن تحقق می یابد. مطابق کلام خدا، همه ایمانداران واقعی باید در چنین محیطی قرار گیرند. یا به عبارت ساده تر، همه آنانی که مسیح را در قلب و وجود خود پذیرفته اند، باید کلیسایی را که شرایط مذکور را دارا باشد، بیابند و در آن عضو شوند. اما چرا؟ کلیسای محلی چه کارکردهایی دارد که آن را برای یک مسیحی اینقدر مهم می سازد؟

کارکردهای کلیسای محلی

برای توضیح این مطلب، نخست کارکردهای کلیسای محلی را خلاصه وار مطرح می کنیم، سپس به شرح هر یک خواهیم پرداخت.

- نخست، در کلیسای محلی، ایمانداران از امکانات صحیح و مناسب برای تغذیه و رشد روحانی برخوردار می شود.
- دوم، در کلیسای محلی ایماندار می تواند با سایر ایمانداران رابطه داشته باشد و از محیط اجتماعی مناسبی برخوردار گردد.
- سوم، او در کلیسای محلی، امکانات صحیح و مناسب را برای خدمت به خداوند می یابد و در این زمینه، در مسیر درست قرار می گیرد.

حال، به بحث و بررسی در مورد هر یک از سه نکته یا کارکردهای اشاره شده خواهیم پرداخت.

مراقبت و تغذیه در جهت رشد روحانی

اولین و مهم ترین مسأله ای که برای یک ایماندار مطرح است، برخورداری از امکانات رشد و تغذیه روحانی می باشد. شخصی که تازه به مسیح ایمان می آورد و زندگی خود را به او می سپارد، مانند نوزادی است که نیاز به توجه و مراقبت و تغذیه مرتب دارد. این تغذیه و مراقبت همواره باید ادامه یابد. کلیسا این امکانات را در اختیار ایمانداران قرار می دهد.

خداوند به کلیسا یعنی بدن خود، خدمتگزارانی عطا کرده تا ایمانداران را مراقبت و

تغذیه نمایند. کلام خدا این خدمتگزاران را شبان می‌نامد، یعنی چوپان. وظیفه چوپان این است که از گله مراقبت بعمل آورد، آن را به چراگاههای خوب راهنمایی کند و از خطرات حیوانات درنده محفوظ نگاه دارد. شبانان یا خادمین کلیسا نیز عیناً همین وظیفه را نسبت به ایمانداران دارند. ایشان موظف هستند همواره مراقب سلامت روحانی ایمانداران باشند. برای این منظور، ایشان باید در وهله اول، غذای روحانی لازم را به ایمانداران یعنی اعضای کلیسا برسانند. در کلیساها، مهم‌ترین کاری که انجام می‌شود، تعلیم دادن کتابمقدس به طرز صحیح است. موعظه‌ها و تعالیمی که در کلیساها داده می‌شود، باعث رشد روحانی ایمانداران می‌گردد. اینها غذای روح انسان هستند.

خیلی مهم و حیاتی و ضروری است که هر ایماندار کتابمقدس را بطور روزانه بخواند. اما برخی از مسائل کتابمقدس نیاز به توضیح و تفسیر دارند. از این جهت او لازم دارد که تفسیر صحیح این کلام را از کلیسا نیز بشنود. به‌علاوه، خدا از طریق خدمتگزاران کلیسا و یا سایر ایمانداران، پیامهای مؤثری برای مؤمنین عطا می‌کند که ایشان را در مشکلاتشان و نیز در خصوص پیروی از خداوند و پایداری در ایمان تشویق می‌کند. تمام اینها خوراک روحانی ما را تشکیل می‌دهد. هیچیک از ما مسیحیان، از این خوراک بی‌نیاز نیستیم.

خدمتگزاران و شبانان کلیسا، علاوه بر تهیه و ارائه خوراک روحانی به ایمانداران، از طرف خداوند وظیفه دارند مراقب سلامت روحانی ایشان نیز باشند. زندگی روحانی، یک نبرد و پیکار روزانه است و هر روز ادامه دارد. ایماندار ممکن است گاه در اثر فشار وسوسه‌ها و محیط اطراف خود، یا در اثر مشکلات شخصی یا خانوادگی یا هر مشکل دیگری، دچار ضعف روحانی و یأس و ناامیدی شود. از اینرو، او نیازمند تشویق و ترغیب است و نیاز دارد شبان کلیسا بطور خصوصی نیز او را کمک کند. از طریق مشورت و تشویقهای شبان کلیسا، ایماندار انگیزش لازم را برای ادامه پیکار روحانی دریافت می‌کند.

همچنین، گاه گوسفند از گله دور می‌افتد. ایمانداران نیز گاه در اثر مشکلات و وسوسه‌های شیطان از راه راست منحرف می‌شوند. در چنین شرایطی، شبان کلیسا چون

چوپانی و وظیفه‌شناس به سراغ عضو گمشده خود می‌رود، او را بر اساس کلام خدا نصیحت کرده، به بازگشت به گله خدا و پیروی از او اطاعت دعوت می‌نماید.

محیط اجتماعی مناسب

دومین کارکرد کلیسا برای ایمانداران این است که محیط اجتماعی مناسبی برای ایشان به وجود آورد. در بخشهای پیشین، گفتیم که انسان موجودی است اجتماعی و به همین جهت، اگر در اجتماع قرار نگیرد، از بسیاری از خصوصیات انسانی محروم خواهد شد. به عبارت دیگر، انسان در اجتماع انسان می‌شود. به همان صورت، شخص مسیحی نیز باید در یک اجتماع مسیحی قرار گیرد تا خصوصیات مسیحی در او رشد و شکوفایی بیابند.

رفتار انسان به شدت تحت تأثیر محیط اجتماعی او است. به عنوان مثال، جوانی که به هنگام تنهایی، بسیار محجوب و با حیاست، وقتی با عده‌ای ناباب همراه می‌شود، رفتاری مشابه آنان بروز خواهد داد. شخصی که با جامعه‌ای متفکر و اهل ادب معاشر شود، رفتاری متناسب با آن جامعه را بر خود خواهد گرفت. کسی هم که در یک جامعه مسیحی قرار گیرد، ترغیب خواهد شد که همان نوع رفتار را از خود بروز دهد.

شخص ایماندار از کلام خدا می‌آموزد که چگونه باید با پاکی و راستی و محبت رفتار کند. اما روشن است که رفتار پاک و مقدس سایر مسیحیان، او را در این راه کمک فراوان خواهد کرد. بدین ترتیب، او در جامعه مسیحی بهتر خواهد توانست رشد و نمو کند.

در ضمن، هر فرد بطور طبیعی، نیاز به همصحبتی با دیگران دارد. انسان احتیاج دارد با افراد دیگر طرح دوستی و صمیمیت بریزد، و با این افراد سخن بگوید و سخن ایشان را بشنود. یک ایماندار باید با افرادی مانند خود مراد و همصحبتی داشته باشد. به این طریق، او خواهد توانست در مواقع ضعف و دلسردی، از کمک ایشان بهره‌مند شوند و خود او نیز این فرصت را داشته باشد که به نوبه خود، به ایشان کمک کند. بعلاوه، ایماندارانی که با یکدیگر دوست و صمیمی می‌شوند، می‌توانند باعث تشویق و بنای

روحانی هم شوند و بطور متقابل یکدیگر را در پیروی خداوند ترغیب نمایند. همچنین، در مواقعی که نیازهای جسمانی و مالی پیش می‌آید، ایمانداران می‌توانند به حکم مسیح، به یاری یکدیگر بشتابند.

البته منظور این نیست که مؤمنین نباید با بی‌ایمانان معاشرت کنند. طبق فرمایش مسیح، مسیحیان باید به میان مردم بروند تا در بین آنان همچون نور بدرخشند و تاریکی را عقب برانند، و همچون نمک، مانع فساد و گندیدگی جامعه شوند. در ضمن، مؤمنین باید بسیار چیزها از مردم بیاموزند. اگر ایشان خود را منزوی کنند و از جامعه جدا سازند، پویایی خود را از دست می‌دهند. در میان بی‌ایمانان افراد فرهیخته بسیاری یافت می‌شوند که باید از آنان بسیار آموخت. اما نباید تحت تأثیر رفتارهای بد و فاسد و گناه‌آلود افرادی قرار گرفت که در مخالفت با خدا پافشاری می‌کنند. ایمانداران باید تعادلی سالم میان معاشرتشان با غیرایمانداران و ایمانداران برقرار نمایند. ایشان نباید اهمیت معاشرت و مشارکت با سایر ایمانداران را مورد غفلت قرار دهند، مشارکتی که باعث تقویت ایمان و تشویق به پیروی مسیح باشد.

هدایت به سوی مسیر درست برای خدمت

سومین کاری که کلیسا برای ایمانداران انجام می‌دهد، این است که امکانات لازم را برای خدمت در اختیار ایشان قرار می‌دهد. قبلاً گفتیم که کلیسا وظیفه دارد پیام نجات بخش انجیل را به همه تشنگان اعلان نماید. همه ایمانداران در اجرا و تحقق این وظیفه سهیم می‌باشند. به عبارت ساده‌تر، وظیفه بشارت یعنی اعلان پیام انجیل که بر عهده کلیساست، از طریق تک تک اعضای کلیسا تحقق می‌یابد. کلیسا از طریق ایجاد فعالیت‌های مختلف، مانند تشکیل جلسات بشارتی و یا برگزاری برنامه‌های مخصوص جوانان و یا توزیع کتب مفید میان مردم، کار بشارت را توسط ایمانداران انجام می‌دهد. هر یک از مؤمنین، با انجام گوشه‌ای از کار که در توان او است، در امر بشارت سهیم می‌شود.

عده‌ای دیگر از مؤمنین ممکن است در خود این استعداد یا عطای خدادادی را

احساس کنند که می‌توانند سایر ایمانداران را تعلیم دهند. این دسته از ایمانداران، با مطالعه دقیق کتابمقدس و تسلط بر تعالیم آن، و نیز در اثر رابطه استوار روحانی با خداوند، توانایی آن را می‌یابند که ایمانداران دیگر را به هنگام مشکلات و حملات شیطان یاری دهند و ایشان را از کلام خدا تعلیم و تشویق نمایند. این معلمین این عطا را از خدا می‌یابند که به مسیحیان راه و روش الهی را تعلیم دهند و از کلام خدا، اراده او را به مؤمنین بشناسانند. به این طریق، هر ایماندار، برحسب استعداد خدادادی خود، گوشه‌ای از کار کلیسای مسیح را به عهده می‌گیرد و به این ترتیب خدمتی برای خداوند انجام می‌دهد.

وظیفه ایمانداران در قبال کلیسای محلی

در مقابل تمام این خدماتی که کلیسای محلی برای ایمانداران یعنی اعضای خود انجام می‌دهد، ایمانداران نیز وظیفه‌ای در قبال کلیسا دارند. مهم‌ترین وظیفه یک مسیحی برای کلیسا یعنی بدن خداوند، حمایت روحانی و معنوی از آن است. او باید بطور مرتب برای رشد کیفی و کمی کلیسا دعا کند. او باید برای شبان و خدمتگزاران تمام وقت کلیسا دعا کند. او با شرکت خود در فعالیت‌های کلیسایی، می‌تواند دین خود را به کلیسا ادا کند.

در ضمن او باید، همچون عضوی سالم در بدن مسیح، مراقب سلامت سایر اعضا نیز باشد و برای رشد و تقویت آنان دعا کند. و بالاخره، او با حمایت مالی خود از کلیسا برای پیشبرد خدمات مختلف، می‌تواند وظیفه خود را در مقابل کلیسا انجام دهد.

وظیفه هر مسیحی این است که نسبت به کلیسای محلی خود وفادار باشد. از اینروست که پولس رسول می‌فرماید: «از جمع شدن با برادران در مجالس کلیسایی غفلت نکنیم...» (عبرانیان ۱۰: ۲۵).

C-7:01/01